



شماره ثبت: ۲۷۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	کذب.....
۲	نبود مخاطب در کذب.....
۲	مرور گذشته.....
۲	اطلاق حکم بر شنونده غیر مستقیم.....
۲	شرط قصد افهام.....
۳	کراهت قول به غیر افهام.....
۴	قاعده افهام در محرمات روابط اجتماعی.....
۴	تبیین از باب حکمت حکم.....
۴	مطلب دهم: اطلاق کذب با باور مخاطب.....
۵	مطلب یازدهم: تعدد حرمت به خاطر تکرر مستمع.....



کذب

نبود مخاطب در کذب

مرور گذشته

مطلب هشتم این بود که آیا حضور مخاطبی که کذب را بشنود، شرط است؟

وجهی که برای عدم اشتراط بود، اطلاق ادله بود که واضح است. اما برای اشتراط دو وجه را می‌توانستیم اقامه کنیم.

یک وجه استدلال امام (ره) بود که به آن جوابی داده شد.

وجه دوم انصراف بود که به نظر تام می‌آمد. عرض ما در انصراف این بود که ظاهر ادله‌ای که در باب کذب، فحش و استهزاء و ... است، اگر شنونده‌ای نباشد، ادله از آن منصرف است.

اگر این وجه انصراف را بپذیریم، چند نکته‌ی تکمیلی را باید عرض کنیم.

اطلاق حکم بر شنونده غیر مستقیم

چیزی که در اینجا ملاک حرمت است، افهام است. اعم از اینکه افهام فعلی یا استقلالی باشد. چه کسی الآن سخن را بشنود و یا اینکه بعد بشنود، تفاوتی نمی‌کند. نیاز نیست همزمان با صدور کذب، شنونده وجود داشته باشد، همین‌که بعداً هم بشنود، ادله انصراف ندارند و ادله اطلاق دارد.

وقتی مخاطبی نباشد، مخاطب خواب باشد، غافل باشد، ادله از آن منصرف است. حتی گاهی مخاطب کلمات را می‌شنود ولی غفلت از الفاظ دارد، یا حتی عدم توجه به معانی دارد، دلیل در این موارد، انصراف دارد.

شرط قصد افهام

نکته دوم این است که ملاک قصد افهام یا خود افهام است؟

بعد از اینکه در حرمت شرط کردیم شنونده‌ی فہیمی وجود داشته باشد، سؤال مطرح می‌شود که شرط قصد افهام است؟



شماره ثبت: ۲۷۲۴

بین قصد افهام و خود افهام، عموم و خصوص من وجه است. ماده‌ی اجتماع این دو در جایی است که شخص قصد کذب دارد، قصد اینکه به او کذب را بفهماند دارد، و کسی نیز الآن می‌فهمد. ماده‌ی افتراق این دو نیز در جایی است که شخص قصد افهام دارد، ولی واقعاً افهام محقق نشده است. در همه‌ی موارد بین قصد عمل با وقوع عمل، عموم و خصوص من وجه هستند. در افعالی که ذاتاً قصدی نیست، این‌چنین است. سؤال در اینجا این است که ملاک حرمت، قصد افهام است یا اینکه خود افهام است یا اینکه هر دو شرط است؟

جواب این است که احتمالاً قصد ملاک نیست. ملاک این است که سخن و کذب، شنونده‌ی متوجه به موضوع داشته باشد. چیزی که در ارتکازات به آن توجه می‌کنیم این است که کسی مطلبی را بفهمد. اگر کسی نمی‌فهمد، حرمتی وجود ندارد. حتی در این صورت قصد افهام هم کرده باشد، ولی افهامی واقع نشده است، دلیل از این موارد انصراف دارد. البته قبح تجری در این موارد وجود دارد. اگر کسی قائل به حرمت تجری بشود، از این باب، حرام است؛ ولی از باب حرمت کذب، حرام نیست.

ظاهراً دلیل منصرف به تحقق افهام است و به قصد ارتباطی ندارد.

اما در ماده‌ی افتراق این دو، در جایی که افهام است ولی قصدی وجود ندارد، به خاطر اینکه اصلاً علمی وجود ندارد، تکلیف منجز نیست. حرمت در اینجا تجز پیدا نکرده است.

کراهت قول به غیر افهام

نکته سوم این است که در جایی که حدیث نفس یا قول به غیر افهام از شخص صادر می‌شود، ادله انصراف دارند، سؤال در اینجا این است که در اینجا کراهتی وجود دارد یا خیر؟

ظاهر این است که به عنوان عام، کراهت وجود دارد. این یک قول لغو و لہو است و کراهت دارد. این کراهت به دو وجه است:

۱. اطلاعات کلمات لغو این را می‌گیرد.

۲. شاید کسی بگوید، بعضی از ادله کذب دلالت بر حرمت و بعضی دیگر، دلالت بر مرجوحیت می‌کرد. چیزی که ارتکاز عقلایی است این است که حرمت و عذاب روی قولی که کسی نمی‌شنود، دلیل را منصرف می‌کند. اما اصل اینکه قول مذمومیتی دارد، عرفاً قابل‌پذیرش است و کراهت دارد. در نتیجه بعضی از ادله که مذمومیت را افاده می‌کرد، باید بگوییم در جایی که مخاطبی نیز وجود ندارد، اطلاق دارد، فقط ادله‌ای که عقاب را بیان می‌کند، در این مواردی که مخاطب وجود ندارد، انصراف دارد.



قاعده افهام در محرمات روابط اجتماعی

مطلبی که در باب کذب گفته شد، می‌توانیم به صورت یک قاعده‌ی عامی برای افعالی مثل کذب جاری کنیم. افعالی که مخاطب و شنونده در آن دخیل هستند. در نتیجه این را یک قاعده‌ی عامه‌ای تلقی می‌کنیم. پس محرماتی که در روابط اجتماعی، جایگاه و مفهوم پیدا می‌کند، شرط حرمتشان، افهام است.

تبیین از باب حکمت حکم

اگر بحثی که در باب هذل و توریه بیان کردیم را با این مطلب جمع کنیم می‌گوییم:

ملاک حرمت، این است که شخص، قصد نامطلوبی داشته باشد. به طور جد، مفاد غیر واقعی را می‌گوید. از طرفی نیز کسی این‌ها را می‌فهمد، این دو با هم ملاک حرمت هستند. اگر هر کدام نباشد، افاده‌ی کراهت می‌شود. در نتیجه شرط حرمت این است که شخص به طور جد، مضمون خلاف واقع را بیان می‌کند، همچنین، شخص مخاطبی آن را بفهمد.

مطلب دهم: اطلاق کذب با باور مخاطب

اگر تمام موارد بالا تمام بود. وقتی شخص قصد کذب داشته باشد، مخاطب وجود داشته باشد، کذب را بگوید، این کذب به سه شکل است:

۱. مستمع تحت تأثیر کذب قرار می‌گیرد.
۲. مستمع تحت تأثیر کذب قرار نمی‌گیرد و مخاطب متوجه کذب می‌شود. شخص متکلم نیز می‌داند که مخاطب باور نمی‌کند ولی به طور جد دروغ و شایعه را نشر می‌دهد.
۲. گاهی نیز مستمع شک می‌کند و به دنبال تحقیق آن می‌رود.

سؤالی دیگر این است که کذب در سه مورد مذکور، اطلاق دارد یا خیر؟

در جایی که شخص باور می‌کند یا شک می‌کند، دلیل اطلاق دارد. در قسم سوم نیز ممکن است بگوییم انصرافی وجود ندارد. البته احتمال انصراف نیز وجود دارد، ولی جرأت گفتن انصراف، سخت است.



شماره ثبت: ۲۷۲۴

مطلب یازدهم: تعدد حرمت به خاطر تکثر مستمع

سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که تعدد مخاطب و مستمع در موضوعیت حکم، اثر می‌گذارد؟ یا اینکه باعث تعدد حرمت می‌شود؟